



شهید ابراهیم ارسلانی

ولادت: ۱۳۴۶/۵/۱۲، استان آذربایجان غربی

پذیرش در رشته تاریخ

شهادت: ۱۳۶۵/۱۱/۱، شلمچه، عملیات کربلا ۵

آرامگاه: ارومیه، باغ رضوان، قطعه ۳

زندگی نامه

شهید ارسلانی در دوازدهم مرداد ۱۳۴۶ در شهر ارومیه چشم به جهان گشود. پس از طی دوران کودکی و نوجوانی تحصیلات خود را با دریافت مدرک دیپلم از دبیرستان شهید مفتاح ارومیه به پایان رساند. پس از انقلاب در پایگاه «نارالله» مسجد لطفعلی خان فعالیت داشت و به افرادی که به جبهه اعزام می شدند، کمک می کرد و آذوقه می رساند. او در روستاها نیز از افراد کم درآمد دستگیری می کرد. شهید ارسلانی به سبب سن کم بارها در عزیمت به جبهه با ممانعت مواجه شد.

او پس از شرکت در آزمون سراسری با کسب رتبه عالی در رشته تاریخ دانشگاه شهید بهشتی پذیرفته شد. با گذشت شش ماه از تحصیل در دانشگاه، وی همراه دیگر دانشجویان داوطلب به جبهه رفت و پس از هفت ماه نبرد در میدان مبارزه با دشمن یعنی دوباره به تحصیل خود ادامه داد. در سال دوم دانشگاه بار دیگر قصد عزیمت به جبهه را نمود و این بار چهل و پنج روز در خط مقدم حضور داشت؛ تا این که سرانجام در اولین روز بهمن ۱۳۶۵ در منطقه شلمچه و عملیات کربلا ۵ به شهادت رسید.

فرازی از وصیت‌نامه

الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ.^۱

حمد خدای را که بر ما منت نهاد و نعمت جهاد اصغر را بر ما ارزانی داشت. امیدوارم که در جهاد اکبر نیز همه موفق باشیم. این وصیت‌نامه را در حالی می‌نویسم که ساعاتی بیش به شروع عملیات نمانده است.

پروردگارا! تو خود گفته‌ای که اگر یک قدم به سوی من برداری، من ده قدم به سوی تو می‌آیم. معبودا! تو خود گفته‌ای که اگر خدا را یاری کنی، خدا نیز شما را یاری خواهد کرد و اکنون بنده حقیر و معصیت‌کار تو آمده است تا در راه دین تو با دشمنان این انقلاب الهی بستیزد.

الهی! می‌دانی که من چیزی را شیرین‌تر از جان خویش نمی‌دانم تا در راه تو اهدا کنم؛ اگر چه حتی جان نیز متعلق به ما نیست، بلکه از آن توست و امانتی نزد ماست؛ بنابراین اگر جان‌مان را نثار درگاهت کنیم، امانت را به صاحب آن باز گردانده‌ایم. ردّ امانت نیز تکلیف و بر همه واجب است.

ما زنده از آنیم که آرام نگیریم

موجیم که آسودگی ما، عدم ماست^۲

خدایا! از تو می‌خواهم با لطف و کرم خود رفتار کنی، نه با عدل خود؛ چرا که ما را توانایی تحمل عدالت تو نیست؛ چرا که ما آن چنان که شایسته توست، حق بندگی را ادا نکرده‌ایم. از تو می‌خواهیم که از گناهان ما درگذری؛ زیرا اگر هم طاقت تحمل عذاب تو را داشته باشیم، توان تحمل دوری از تو و لطف و کرمت و دوری از اولیای تو را نداریم.

آن کس که تو را شناخت، جان را چه کند

فرزند و عیال و خانمان را چه کند


دیوانه کنی، هر دو جهانش بخشی

دیوانه تو هر دو جهان را چه کند^۳

^۱ توبه، ۲۰

^۲ شعری از صائب تبریزی

^۳ شعری از جلال‌الدین مولانا



پیامم به شما امت شهیدپرور این است که نگذارید خون شهدا پایمال شود و عده‌ای سودجو ارزش این انقلاب را که یک نعمت الهی است، از بین ببرند. از شما می‌خواهم یاور و پشتیبان مسئولان کشور که یاران وفادار امامند، باشید. از مسئولان نیز تقاضا دارم که هرچه بیشتر در خدمت محرومان و خانواده شهدا باشند.

